



حکومت ماد ها

دانستنی هایی پیرامون لرها

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵ ۱۴ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

- تاریخچه و نژاد: چیزی که واضح و روشن است، اینست که بررسیهای زبان شناسی و فرهنگی، نشان دهنده پیوستگی قومی لرها با دیگر اقوام ایرانی به ویژه شعبه پارسی است. لرن قدیمی ترین قبایل آریایی ایران زمین می باشند که از روزگاران کهن در نواحی غرب و جنوب غرب و در امتداد دامنه های زاگرس ساکن بوده و هستند. لرن بازماندگان شاخه ای از نژاد آریا بنام کاسیان هستند که بین هزاره سوم و اول پیش از میلاد به هنگام مهاجرت اقوام آریایی شعبه ای از این اقوام موسوم به کاسیها به لرستان آمدند و با بومیان منطقه در آمیخته و بد



- تاریخچه و نژاد:

چیزی که واضح و روشن است، اینست که بررسیهای زبان شناسی و فرهنگی، نشان دهنده پیوستگی قومی لرها با دیگر اقوام ایرانی به ویژه شعبه پارسی است. **لران** قدیمی ترین قبایل آریایی ایران زمین می باشند که از روزگاران کهن در نواحی غرب و جنوب غرب و در امتداد دامنه های زاگرس ساکن بوده و هستند .

لران بازماندگان شاخه ای از نژاد آریا بنام کاسیان هستند که بین هزاره سوم و اول پیش از میلاد به هنگام مهاجرت اقوام آریایی شعبه ای از این اقوام موسوم به کاسیها به لرستان آمدند و با بومیان منطقه در آمیخته و بدین ترتیب نژاد تازه ای پدید آمد که بعدها به لر شهرت یافتند.(۱)

قوم کاسی : و لرستان در دوره کاسی ها

کاسیان قبل از مادها وپارس ها از ارتفاعات قفقازیه و آذربایجان به جنوب غربی ایران روی آوردند ولی در ابتدای امر در نواحی دریای مازندران سکونت کردند ونام خود را به این دریا دادند وآنرا دریای **کاسپی** یا **کاشی** نامیدند و این دریا در اصطلاح اروپایی بنام دریای کاسپین (**Caspian**) شهرت دارد. استرابون (**Strabon**) مورخ یونانی نقل کرده که

اقوام **کاسووا** در ابتدای مهاجرت خود در کناره دریای کاسپین سکونت نمودند و نام خود را به این دریا دادند. **افراسیاب** تورانی طبق **اوستا** برای دست یافتن به فر کیانی در این دریا فرورفت و ناامید برگشت و دیگر دریای وورو کاش (**Vouro-kasha**) می باشد.

دارمستتر در توضیح از این واژه معتقد شده که وورو مخفف فراخ است و هر دو پهلوی و فارسی از یک ریشه می باشند. بنابراین این واژه ووروکاش بمعنی دریای فراخ و بزرگ کاشی و دریای کاسپین می باشد. واژه کاشی در کتیبه های بابلی به عبارت کاسی یا کاسپی آمده و اقوام کاسی (کاشی) در زمان مهاجرت بتدریج در شهرهای کاشان و قزوین نیز سکونت نمودند و نام خود را بر این دو شهر داده اند. (۲)

این قوم که همزمان و به موازات عیلامیها بر بخشهایی از لرستان تسلط داشته اند ، قومی بودند که چیره دستی فوق العاده ای در ساختن مصنوعات مفرغی به دست آوردند . آنان مهمترین قبایل کوهستانی زاگرس شمرده میشدند و پیشه دامداری داشته و با زبانی که با عیلامی قرابت داشت سخن میگفتند . آنان سوار کارانی دلیر و جنگجو بودند و بارها با همسایگان خود از جمله عیلامیها و بابلیها در افتادند. آنها حتی توانستند دولت بابل را سرنگون ساخته و مدت شش قرن بر آن سرزمین حکمرانی نمایند . حکومت کاسیها بر بابل در نتیجه شکست از عیلامیها به پایان رسید . آنها پس از شکست از عیلامیها به سرزمین کوهستانی خود یعنی لرستان بازگشتند .

لرستان در دوران ماد ، هخامنشی ، سلوکی ، و اشکانی

کاسیها در دوران حکومتهای ماد و هخامنشی همچنان استقلال و اقتدار خویش را حفظ نموده و شاهان هخامنشی که میخواستند جهت لشگرکشی به سایر نقاط سپاهی را از قلمرو آنها عبور دهند ، مجبور بودند به روسای این قوم باج بپردازند . اسکندر مقدونی هم در هجوم به ایران چون این طایفه را مطیع نمیدید ، با قوایی عظیم آنان را محاصره و پس از چهل روز وادار به تسلیم کرد . ولی پس از مرگ اسکندر دوباره آزادی خود را باز یافتند

لرستان در زمان ساسانیان:

لرستان در دوره ساسانیان ، از لحاظ تقسیمات کشوری جزو **سرزمین ((پهله))** یا **((پهلو))** محسوب می شد . یعنی سرزمینی که بعدها توسط اعراب جبال خوانده شد .

سرزمین پهله خود به نواحی کوچتری تقسیم می گردید . چنانکه لرستان و منطقه غربی آن یعنی **پشتکوه (ایلام)** را به ترتیب به **((مهرگان کدک))** و **ماسبذان** نامیده می شد . این دو نام تا قرون نخستین اسلامی همچنان به این نواحی اطلاق می شد و با تغییر در اعراب آنها **مهر جانقذق** و **ماسبذان** خوانده می شدند . از شهرهای مشهور منطقه **مهرگان کدک** یا لرستان عهد ساسانی شهرهای **صیمره** و شاپور خواست (**خرم آباد**) را می توان نام برد . شهر سیمره حاکم نشین منطقه و شاپور خواست که گفته میشود توسط شاپور (اول) بنا نهاده شده بود از شهرهای آباد و پر رونق دوره ساسانی محسوب می گردید .

حمدالله مستوفی، نام **لران** را بمحلی موسوم به **لور** واقع در گردنه ی مانرود نسبت میدهد و می نویسد:

" وقوع این اسم بر آن قوم، به وجهی گویند از آن است که در ولایت مانرود دهی است که آن را کرد خوانند و در آن حدودبندی که آن را بزبان لری کول خوانند و در آن بند موضعی که آن را لر خوانند" (۳)

شاید علل نسبت دادن **لران** به این سرزمین مربوط به خاطره ی شهر **اللور** باشد که جغرافی دانان عرب درباره ی آن بحث کرده اند و امروزه نیز نام **صحرای لور** واقع در شمال دزفول، هنوز زنده است.

محل‌های دیگری نیز یافت می شود که نام آنها همانند لور می باشد از جمله **لیر** محلی واقع در ناحیه **گندی شاپور** (جندی شاپور) و **لیراوی** واقع در کهگلویه است. احتمالاً کلمه **لر** همان واژه **لور** است، چنانکه در لری پول را پیل میگویند.

یاقوت حموی نیز از محلی به نام لردجان (لردگان) نام برده است. به گفته استخری لردگان پایتخت بخش سردان می باشد که بین کهگلویه (کوه کیلویه) و بختیاری قرار دارد. در سیمره نیز محلی بنام **لورت یالیرت** است.

مسعودی ضمن ذکر فهرست طوایف کرد، از قبایل لریه نیز نام برده است.

یاقوت حموی با اینکه از **لران** سخن می گوید، واژه **اکراد** را بکار برده و می گوید:

" اکراد قبایلی هستند که در کوه‌های بین خوزستان و اصفهان زندگی میکنند و محل این قبایل را بلاد **اللور** یا لرستان مینامند." (۴)

در اواسط قرن ششم (۵۶۰ ق) لرستان به دو قسمت **لر بزرگ** و **لر کوچک** تقسیم شد. منظور از **لر کوچک** همان از لرستان کنونی و مقصود از **لر بزرگ** بختیاری و کوه کیلویه است. بین اراضی **لر** نشین مزبور قسمتی قرار داشت که دامنه ی آن تا **شیراز** کشیده میشده و آنرا شولستان مینامیدند و امروز این خاک بنام ممسنی معروف است.

لر کوچک و **بزرگ** از اواخر قرن ششم بعد بزرگان و امرائی داشت که نام بعضی از آنها در ادبیات پارسی مخلص و جاویدان مانده است. امراء **لر بزرگ** که آنها را اتابکان لرستان، به دنبال ضعف و تجزیه دولت سلجوقی، شجاع الدین خورشید نیز همچون امرای بلاد دیگر فرصت را مغتنم شمرده، لرستان را در قبضه اختیار گرفته و بر خود عنوان اتابک (که واژه ای ترکی است که از اتا به معنی پدر و بیگ یعنی بزرگ است ساخته شده را نهاد). و بدین ترتیب او سلسله اتابکان **لر کوچک** را بنیان نهاد.

خاندان فضلویه که از امرای **لر بزرگ** بودند شهرت بیشتری داشتند، علت این امر آن بود که **لر بزرگ** بین

شولستان و عراق عجم و عراق عرب و فارس قرار داشت و امرای آن منطقه طبعا با حکام نواحی اخیر رابطه داشته گاهی در حال صلح و زمانی در وضع جنگ و نزاع بسر می بردند. (۵)

اتابکان لر کوچک با هر وسیله ای که توانستند موقعیت و اقتدار خود را تا اواسط دوره صفوی با گردن نهادن به یوغ فرمانروایان وقت ایران از جمله سلاطین خوارزمشاهی، مغولان، تیموریان، ترکمانان، قراقویونلو و اق قویونلو و تا پایان پادشاهان صفوی حفظ نمایند. از اتابکان لر کوچک چند تن با درایت و سیاست بودند که از آن جمله شجاع الدین خورشید موسس سلسله، حسام الدین خلیل (حدود ۶۴۰ هجری)، ملک عزالدین (۸۰۴-۷۵۰ ه ق) میتوان نام برد.

لرها همواره در وطن دوستی و پاسداری از وطن خود همانند بقیه ایرانیان، غیرت نشان می دهند. به عنوان مثال خدمات این سردار دلیر (علی مردان خان) و نام آور لرستانی در برابر هجوم افغانها در پایان دوره صفوی و مقاومت سر سخته او در برابر قوای عثمانی و همچنین رشادتهای فراوان وی در رکاب نادر شاه افشار جهت برقراری صلح و ثبات و دفع متجاوزان از کشور، بسیار در خور توجه و تحسین انگیز است.

آخرین حکومت لرها نیز به کریمخان زند میرسد. (البته به دلیل مدت حکومت کم این سلسله نمیتوان در مورد تاثیر یا نوع حکومت آنان بر کشور نظری با اطمینان داد) او از طوایف لر ساکن ملایر بود و بعد از دوره ۴۰ ساله حکومت زندیه با به قدرت رسیدن این فردخائن و عقده ای (آغا محمد خان قاجار) و جانشینان بیکیفایت و بی لیاقت و وطن فروش قاجاریه اکثر نواحی ایران جدا گشت. ولی ...

آغا محمد خان، بانی سلسله قاجاریه، به علت کینه ای که از لرهای زندیه در دل داشت نسبت به همه لرها با دیده دشمنی می نگریست و اسباب ضعف این قوم را به هر نحوی که توانست فراهم آورد چنانکه برخی از طوایف لرستان را به قزوین کوچانید. همچنین چون والیان لرستان را رقیبی خطرناک میپنداشت در تضعیف آنها کوشید.

اشیاء مفرغی لرستان:

در مدتی متجاوز از ۲۰ سال آنچه که روستاییان در ناحیه کرمانشاه و مخصوصا در هرسین، الشتر و

خرم آباد که در شمال لرستان است یافته بودند مجموعه های خصوصی و موزه های اروپا و آمریکا را با هزاران شیء مفرغی و آهنی مزین ساخت. این اشیاء در قبوری پیدا شده که تاکنون هیچ یک از آنها از نظر علمی حفاری نگردیده. این قبور گودال های هستند که گاهی سنگ فرش شده اند و همواره با لوحه سنگ بزرگی که به پنها گذاشته شده، پوشیده است. و این اشیاء عبارتند از شمشیر آهنی و خنجر مفرغی و کلنگ برنزی و سنجاق های برنزی و سیتولهای مفرغی (نوعی ظروف مخصوص سفالین).

'م. (۶)

رمان گریشمن در این کتاب توضیحاتی خوبی درباره تمدن این اشیاء اشاره کرده برای علاقه مندان به تاریخ ایران باستان. و یک تارنمای زیبا برای دیدن این مفرغ ها [Bronze Sculpture of Lurestan](#)

شهرهای مهم این مناطق (لر نشین) :

۱- **خرم آباد** : خرم آباد (که در زبان محلی به آن خورمووه گفته می شود) را که بسیاری از مورخان اروپایی بر این باورند که این محل با **خایدالوی متون آشوری مطابقت می کند**. آنچه مسلم است خرم آباد در دوره ی عیلامیان، از شهرهای این قوم بوده، ولی بدنبال انقراض آنان اهمیت خود را از دست داده است. (۷)

ژاک دومرگان، عضو هیئت علمی فرانسه در ایران معتقد بود که لرستان از ایالت‌های عیلام قدیم بوده و خرم آباد همان خایدالو یکی از چهار شهر معتبر عیلامیان بوده است. (۸)

فردوسی برای عقیده بود که این شهر در زمان شاهپور ذوالاکتاف ساخته شده است و تاریخ بنایش را همزمان ایجاد گندی شاپور دانسته است.

بنابراین میتوان گفت که خرم آباد امروزی در عهد ساسانیان در محل **خایدالو** بنا شده است و اتابکان **لرستان** نیز در سده ی ۵ ه.ق بر لرستان دست یافتند، خرم آباد را روی خرابه های شهر ساسانی، بنا کرده اند و بانی آبادانی آن در سال ۵۸۰ ه.ق اتابک شجاع الدین خورشید بوده است (۹)

۲- **بروجرد**: بروجرد که هنوز در لهجه محلی همان نام اصلی آن یعنی وروگرد (بروگرد) گفته می شود ، شهری است که قلعه ای گرداگرد آن بوده است که از دور کاملاً گرد به نظر می آمده، که آثار بسیار کمی از آن باقی مانده که بعضی ها بنای آن را همزمان با دوره پیروز ساسانی دانسته اند و در دوران جنگ ایران و اعراب اعتقادها بر این است که یزدگرد سپاه خود را قبل از جنگ نهند (در این قلعه در ۳۹ کیلومتری نهاوند یعنی همان بروجرد فعلی گرد آورده) و آماده رزم نموده تا سپاهیان خود را به فرماندهی فیروزان به قلعه نهاوند و جایی که سپاهیان پابرهنه تازی که در پای کوه آردوشان (اردوشاهان) گرد آمده بودند رهسپار سازد و آتشکده ی داشته که بعد از اسلام به مسجد و امام زاده مبدل گشته است. البته

۳- **ایلام**: سرزمین ایلام از دیرباز مهد تمدن بوده و همواره محل سکونت اقوامی بوده که در اطراف وحاشیه ی روز سیمره گرد آمده و تمدن منطقه ی ایلام داشته است، دره سیمره نقش بزرگی در شکوفایی تاریخ و تمدن منطقه ایلام داشته است، زیرا مهمترین راه ارتباطی بین تمدن کوهها و تمدن جلگه های جنوب غرب ایران سرزمین می گذشته است. استان ایلام از نظر آثار تاریخی و نقاط دیدنی بسیار غنی است و تاکنون در نواحی دره شهر، هیلان، شیروان، آرمو، ایوان غرب و ... آثار تاریخی از عصر مفرغ، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و... کشف و به ثبت رسیده است. (۱۰)

۴- کهگیلویه وبویر احمد: از دوناخیه کهگیلویه و بویر احمد تشکیل گردیده .

برخی از مورخان براین باورند که مهرگان پسر روزبه ،پادشاه زمینگان(محل جایگاه)گیلویه بود،پس از مهرگان برادرش سلمه شاه شد.گلو یا گیلویه که از مردم خمایگاه سفلی از ولایت استخر بود،نزد سلمه آمد و به خدمتگذاری پرداخت. چون سلمه درگذشت گیلویه آنجا را تصرف کرد و چون قدرتی بدست آورد،این سرزمین را بنام او خواندند.(۱۱)

مؤلف فارسنامه ی ناصری بر این باور است که درخت کیالک(زال زالک) در کوهستانهای این سرزمین بیشتر از دیگر نقاط پارس وجود دارد. و چون میوه ی وحشی زال زالک را در این منطقه گیلویه گویند،بدین مناسبت این سرزمین را گه گیلویه نامیده اند.(۱۲)

اما این نظریه درست نیست ، زیرا درخت زال زالک منحصر به این استان نمی باشد وبطور طبیعی در سرتاسر لرستان وبختیاری یافت می شود ودر کهگیلویه سیسه نامیده می شود.

ظاهرا کیارک در شیراز رایج است نه بین لره های کهگیلویه.

" تل خسرو(کهگیلویه)کوهستانی است در شمال ولایت بهبهان...در روزگار پیشین آن را رم زمیگان که معنی بلوک سرد است می نامیده اند ودر سده ی ۳ ه.ق به نام کوه گیلویه معروف گردید".(۱۳)

"طایفه ی بویر احمد،ناحیه ی تل خسروی وچند محل از بلاد شاپور ناحیه ی رون (Reven) را متصرفشده ،تمامی آنها به ناحیه ی بویر احمد مشهور گشته است.(۱۴)

۵- یاسوج: نام بومی یاسوج ، یاسیج است که در کنار رودآبشار ،دامنه ی قلعه ی دنا واقع شده است .که زمانی مرکز نفوذ خانهای بویر احمد علیا بود . سابقه ی تل خسرو بیش از ۲۰۰۰ سال است، ولی احداث ابنیه ی معاصر آن از سال ۱۳۰۹.ش آغاز شدوتا سال ۱۳۲۳.ه.ش ادامه داشت وپس از این تاریخ متروک گشت.

از عوامل ایجاد شهر یاسوج شرایط اقلیمی وخاک و جنگلهای سرسبز بلوط و دره ها وکوهها وتپه های زیبا ومنابع فراوان آب است

۶-چهار محال وبختیاری : براساس کتیبه ها وسنگ نبشته های گوناگونی که بدست آمده، منطقه ی چهار ومحال بختیاری در زمان کوروش هخامنشی وجود داشته ومردم در جنگهای مختلف شرکت می کردند.

زبان :

پس از انقراض ساسانیان، آنچه پایداری و غلبه ی معنوی ایرانیان بر اعراب گشت ، فرهنگ و زبان قوم ایرانی است.

مردم لر نیز همانند دیگر ایرانیان ، گرچه کیش باستانی خود را به مرور زمان رها کرده و به آیین اسلام درآمدند ولی زبان کهن خویش را نگاهداری نمودند . بسیاری از واژه‌های لری اغلب ریشه های باستانی دارند و به احتمالاً تعداد زیادی از این واژه ها مربوط به زبانهای کاسی و عیلامی می باشد . گفته می شود زبان پارسی در زمان امپراتوریهای هخامنشی ، اشکانی و ساسانی در لرستان گسترش یافته است .

در بین زبانهای جنوب غربی ایران ، زبان (گویش) لری بزرگترین رابطه را با زبان فارسی دارد. که هر دوی آنها دنباله پارسی میانه، زبان پارتیان قرن هشتم بعد از میلاد هستند ، و همانگونه که می دانیم پارسی میانه، زبان پارتیان و ساسانیان بود که به تدریج تغییر شکل داده و به صورت زبان فارسی نزدیک است که بعضی معتقدند این زبان در گذشته نه چندان دور از فارسی منشعب شده است .

گویش مردم لرستان بیشتر لری ولکی است. بر اساس مطالعات زبان شناسی ، زبانهای لری و لکی جزو زبانهای هندو – اروپایی به شمار می آیند. زبانهای ایرانی شامل زبانهای ایرانی شرقی ، و زبانهای ایرانی غربی می باشد . لکی و لری جزو زبانهای ایرانی غربی محسوب می شوند .

لری	باختری :گویشهای لری ، بروجردی ، ملایری ، نهاوندی ، و غیره
	خاوری :شامل گویش های بختیاری ، دزفولی، شوشتری ، و غیره

لکها بیشتر در نواحی نورآباد و کوه‌دشت والشت ساکن اند ولرها در خرم آباد و بروجرد و اشترینان (اشتربانان) ... مستقر هستند. گویش لری بختیاری که تفاوتی با لری خرم آبادی دارد در الیگودرز و روستاهای اطراف و طایفه های چهار لنگ بختیاری رایج است.(۱۵)

در ملایر و نهاوند و توپسرکان به لری و لکی سخن گفته می شود در ایلام هم در قسمت های شمالی آن که همرز با کرمانشاه است لکی بیشتر رایج است و در قسمت های دیگر لری سخن میگویند و طوایف لک که در نواحی شمال استان بسر میبرند ، طایفه مکی که بین کرمانشاه و هیلان زندگی میکنند و به لهجه کردی جنوبی تکلم میکنند که شبیه لهجه کلهر است و در قسمت جنوبی استان کردان شوهان هستند که به لهجه کردی کرمانجی سخن میگویند.(۱۶)

در کهگیلویه و بویر احمد و چهار محال بختیاری تا لر های ممسنی همه به گویش **لری** با اختلاف های اندکی سخن میگویند البته گروههای مهاجری هم بوجود دارد که بگویش های دیگری سخن میگویند و بیشتر مردمان لری سخن می گویند.

ویک تارنمای زیبا در رابطه با مناطق زیبای ایران

- ۱- (افشار، ایرج. مقدمه ای بر شناخت ایل ها و... جلد اول ص ۳۷۲)
- ۲- (تاریخ اجتماعی ایران باستان. نوشته: دکتر موسی جوان صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳).
- ۳- (مستوفی تاریخ گزیده، ص ۵۳۷)
- ۴- (مینورسکی، ولادمیر، لرستان ولرها، ص ۲۲)
- ۵- (تاریخ ۱۰۰۰۰ ساله ایران. جلد ۳/ ص ۲۳۶).
- ۶- (تاریخ ایران از آغاز تا اسلام - رمان گریشمن (Ghirishman.Roman.1979-1895): رئیس گروه باستان شناسی فرانسوی در ایران. ترجمه دکتر محمد معین. صفحه ۱۳۰-۱۳۱)
- ۷- (ساک، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان ص ۹۴-۹۷)
- ۸- (دومرگان ژاگ. هیئت علمی فرانسه در ایران، جلد ۲/ ص ۲۱۱)
- ۹- (رزم آرا، تیمسار علی. جغرافیای نظامی ایران. لرستان. ص ۱۷۸)
- ۱۰- (افشار، ایرج. مقدمه ای بر شناخت ایل ها و... جلد اول ص ۱۷۳)
- ۱۱- (اقتداری، احمد. خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. جلد ۱/ ص ۳۶۳)
- ۱۲- (فارسنامه ناصری. حسینی فسایی. جلد ۲/ ص ۱۴۶۷).
- ۱۳- (شوشتری: مؤلف کتاب تاریخ جغرافیای خوزستان درباره ی کهگیلویه در ص ۱۹۲)
- ۱۴- (مؤلف فارسنامه ناصری در ص. ۱۴۸۱)
- ۱۵- (دبیران گروه های آموزشی جغرافیای استانها. جغرافیای کامل ایران. جلد ۲/ ص ۱۰۷۵)
- ۱۶- (مینورسکی ولادمیر لرستان ولرها. ص ۳۰)
- ۱۷- تارنمای <http://www.luripeople.com>

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «دانستنی‌هایی پیرامون لرها»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1843/pdf/دانستنی-هایی-پیرامون-لرها.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵